

نگاه

ترازوی دریونان پس از شکست اصلاح طلبی

دیو سول

● از توافق در یونان به‌طور گسترده‌ای به‌عنوان یک کودتا یاد شده است. حاکمان اروپایی از اخذی‌ها و رشوه‌گیری‌های سیاسی و مالی شش‌روانه برای واژگون‌سازی رأی مردم یونان علیه ریاضت بهره برده‌اند.
باین‌حال، زمانی که «الکسیس سیرپاس» نخست‌وزیر حزب رادیکال چپ‌گرای «سیریزا» با توافق ریاضتی اخیر با اتحادیه اروپا موافقت کرد اسلحه‌ای پشت سر او نبود. او از کرس‌ها خواستار مصالحه شد. زمانی که آنان پاسخ منفی دادند او برنامه دومی نداشت و تسلیم شد. برای جبران این صدمه ما نیازمند نگاه صادقانه به آنچه روی داده هستیم. سیریزا جریان‌ی متفاوت از احزاب سنتی نوع کارگری سوسیال دموکراتیک قلمداد شده بود. استاتیس کولواکیس از کمیته مرکزی سیریزا در بحث اخیر خود با «الکس کالینیکوس» از کمیته مرکزی حزب کارگران سوسیالیست در فستیوال هفتگی مارکسیسم این‌ موضوع را موردبررسی قرار داد. استاتیس استدلال کرده بود سیریزا یک حزب ضدسرمایه‌داری است. حزبی که درصدد سرنگون‌کردن سرمایه‌داری و حرکت به سوی سوسیالیسم است. از نظر استاتیس، اهداف رادیکال سیریزا ریشه در جنبش‌های سوسیالیستی دارد و جدای از احزاب اصلاح‌طلب است که به‌نظر او درصدد بهبود وضعیت برای طبقه کارگر در چارچوب نظام سرمایه‌داری هستند. درست است که سیریزا هوای تازه‌ای را به جامعه یونان در مقایسه با احزاب کهنه کارگری دیده‌است و استاتیس نیز به جناح چپ سیریزا تعلق دارد و در چارچوب آن حزب به رک‌گویی و صراحت مشهور است و به‌طور صادقانه از استراتژی دولت‌کنونی انتقاد می‌کند و به‌جای امتیازدهی بی‌پایان به اتحادیه اروپا خواستار خروج یونان از آن اتحادیه است، باین‌حال، «الکس» در واکنش به او گفت: «این نوع انتقادها مادامی که به مرحله عمل درنیایند، بی‌فایده خواهند بود».

زمانی که پارلمان یونان به بدترین طرح ریاضتی اخیر که در همه‌پرسی از سوی مردم رد شده بود، رأی مثبت داد، فقط دو نماینده از سیریزا به آن طرح رأی منفی دادند. از سوی دیگر هشت نماینده رأی متنع دادند که هفت نفر از آنان در خانه مانده بودند و ۱۵ نماینده دیگر گفتند که رأی منفی خواهند داد، باوجود اینکه درنهایت به امید دفاع از دولت رأی مثبت دادند. اعضای سازمان یافته پلتفرم چپ نیز در تمام جناح‌ها پراکنده شده بودند. کالینیکوس استدلال کرد که نمایندگان به‌طور هماهنگ‌شده باید علیه توافق رأی منفی می‌دادند و پس از آن باید به خیابان‌ها می‌آمدند و فراخوان اعتراض عمومی و توده‌ای را اعلام می‌کردند. زمانی که سیریزا در سال ۲۰۱۲ میلادی به‌طور برجسته‌ای ظاهر شد برخی هرگونه تلاش برای ایجاد سایر احزاب چپ‌گرا را تقبیح کردند. سوسیالیست‌هایی بودند که می‌گفتند آنان از تاثیرگذاری لازم برخوردار نخواهند بود، مگر آنکه به سیریزا بپیوندند. با این حال، هنوز هم خط میان سیریزا و سوسیال دموکراسی به‌طور آشکار از یکدیگر جدا نشده بود. بیش‌ترین برابری آن جریان با تونی بلری بود که پیش‌تر یک چریک مبارز بود. حزب کارگر بریتانیا نیز پیش‌تر تا سال ۱۹۹۴ میلادی برای سوسیالیسم مبارزه می‌کرد و جناح چپ آن هنوز در این خط قرار دارد. حزب سوسیال دموکرات آلمان نیز زمانی که از جنگ جهانی اول حمایت‌کرد در ظاهر و نام مارکسیست بود. تمام اصلاح‌طلبان خواستار استفاده از دولت سرمایه‌داری برای ایجاد تغییرات هستند و در نهایت همواره بیش از آنکه نظام سرمایه‌داری تغییر کند آن نظام است که اصلاح‌طلبان را به‌نفع خود تغییر می‌دهد. سوسیالیست‌های انقلابی در عوض روی مبارزه بر طبقه کارگر تاکید دارند. این نگاه عاری از جزم‌گرایی نیست، اما تنها راه برای پیروزی است. کارگران چرخ‌های سرمایه‌داری را به حرکت در می‌آورند. جنبش‌های آنان می‌توانند سرمایه‌داری را متوقف کنند. «پتروس کنستانینو» یکی از اعضای برجسته حزب کارگران سوسیالیست در یونان و یکی از مشاوران آتن در جبهه ضدسرمایه‌داری آنتراسیاست. او می‌گوید: «ما نمی‌خواهیم دولتی چپ در دستان حاکمان اتحادیه اروپا قرار گیرد». او می‌گوید: «ما از دولت چپ‌گرای یونان تجلیل می‌کنیم، اما می‌گوییم که این قدرت ما نیست و مردم را برای مبارزه دوباره آماده می‌کنیم». بحران یونان پرسش‌هایی را در این باره که تنها کنترل کارگری می‌تواند پاسخ‌گو باشد؛ مطرح کرده است. اکنون حزبی ایجاد شده که استدلال می‌کند مقابله با اخاذی کارفرمایان در همه‌پرسی امری ضروری است. وی گفت: «ما بسیار خوش‌بین هستیم که می‌توان مبارزه را به مسیر اصلی بازگرداند. ما خوش‌بین هستیم؛ چراکه سازمان‌ی انقلابی هستیم». بسیاری از کسانی که پیش‌تر می‌گفتند چشم‌اندازی خارج از سیریزا وجود ندارد، اکنون معتقدند در درون این جریان آینده‌ای پیش‌رو نیست. در صورتی که چپ یونان نتواند سیریزا را رد اردگاه خود نگاه دارد، چه فرصتی خواهد بود که در یونان نیز همچون بریتانیا سوسیالیستی چون جرمی کوربین درصدد اصلاح حزب پوسیده کارگر برآید؟ بحران یونان به‌طور روشن تأکیدی بر این موضوع است که حتی بهترین سوسیالیست‌ها هم می‌توانند در لحظات حساس و سرنوشت‌ساز خودشان را خلع‌سلاح‌شده ببینند، مگر آنکه یک حزب انقلابی داشته باشند.

•منبع: سایت حزب کارگران سوسیالیست بریتانیا

سیریزا قصد دارد چهره‌ای انسانی به توحش سرمایه‌داری بدهد

نورژن اعتضاد السلطنه: اپورتونیست، حافظ منافع سرمایه‌داران و در تلاش برای حفظ پایه‌های سوسیال دموکراسی و انسانی‌کردن چهره سرمایه‌داری، همگی صفات و ویژگی‌هایی هستند که از سوی کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان به‌عنوان برجسب به سیریزا اطلاق می‌شوند. حزب کمونیست یونان که یکی از مهم‌ترین احزاب کمونیستی اروپایی محسوب می‌شود و بیش از ۹۰ سال از فعالیت آن می‌گذرد پیشینه طولانی‌مدت مبارزاتی را در کارنامه خود دارد؛ از مقاومت در برابر تجاوز نیروهای فاشیست تحت رهبری هیتلر و موسولینی علیه یونان گرفته تا مقابله با دیکتاتوری خوت‌های نظامی در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی و اکنون نیز مبارزه خود را علیه نظام اقتصادی سرمایه‌داری نئولیبرال و عاملان آن معرفی کرده است. کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان در پاسخ به پرسش‌های «شرق» تأکید کرد که هدفش نابودی سرمایه‌داری است، در حالی که سیریزا مدیریت سرمایه‌داری را می‌خواهد. آن حزب در پارلمان یونان و اتحادیه اروپا نماینده دارد، اما رسیدن به تغییر مطلوب را از طریق دموکراسی پارلمانی میسر نمی‌داند و آن را صرفاً یک توهم می‌داند و خواستار عدم مشارکت و همکاری یونان با اتحادیه اروپاست؛ نهادهای که آن را «ارتجاعی» و «ضدمردمی» قلمداد می‌کند. باوجود آنکه اکثر رسانه‌های آمریکایی و دست راستی اروپایی علیه سیریزا نوشته‌اند و گفته‌اند دولت کنونی تحت رهبری آن جریان را هم‌دست آمریکایی‌ها و نهادهای سرمایه‌داری می‌داند و باوجود آنکه اتحادیه اروپا اعلام کرده خواستار باقیماندن یونان در حوزه پولی یورو است حزب کمونیست یونان باور دارد بورژوازی اروپایی از خروج یونان و کشورهای با اقتصاد مشابه حمایت می‌کند، چرا که خواستار منطقه پولی یورو با حضور اقتصادهای قوی‌تر و حذف وضعیت نراست.

سیریزا یک حزب کوچک اپورتونیست (فرصت‌طلب) است، شاخه‌ای که از دل جنبش کمونیستی بیرون آمد. با این حال، پس از شکست انتخاباتی حزب سوسیال دموکراتیک پاسوک، جذب بخش بزرگی از آن حزب شد و برنامه‌های سوسیال دموکرات مشابهی را اتخاذ کرد. این جریان به‌دنبال تثبیت پایه سوسیال دموکراسی در یونان بوده است. درباره مسئله اتحاد چپ ارزبایی ما این است که چنین اتحادی کار نادرستی است و هیچ چشم‌اندازی ندارد. امروز، بسیاری از نیروهایی که خود را چپ قلمداد می‌کنند هواداران آمریکا، اتحادیه اروپا و امپریالیسم هستند. در نتیجه، هیچ‌گونه ائتلافی با آنان نمی‌تواند شکل گیرد. حزب کمونیست یونان خط و معیاری برای ائتلاف دارد. خط ما ائتلاف مردمی، متشکل از طبقه کارگر با سایر بخش‌های شهری (افراد خوداشتغال و مغازه‌داران) و اقشار مردمی روستایی (کشاورزان کوچک) است. ائتلافی که برای حل مشکلات مردم می‌زمد باوجود آنکه در شرایط انقلابی به یک جبهه کارگری اقتصادی تبدیل خواهد شد که مسئولیت ایجاد یک جامعه و اقتصاد تازه را برعهده خواهد گرفت. درواقع، مشکل ما با سیریزا مشکلی «کمی» نیست که بگوییم ما از آنان رادیکال‌تر هستیم بلکه مشکلی «کیفی» است. ما برای سرنگونی سرمایه‌داری مبارزه می‌کنیم درحالی‌که سیریزا در حال مدیریت سرمایه‌داری است.

آیا به نظراتن مواضع رادیکال حزب کمونیست یونان بیش از اندازه انبویایی نیستند؟ منتقدان شما معتقدند شما به ظرفیت‌های اقتصادی و منابع انسانی یونان توجه ندارید؟
امروز در وضعیتی هستیم که همه‌چیز را در نظام سرمایه‌داری آزموده‌ایم. هم مدل نئولیبرال را و هم سوسیال دموکراتیک. این دو مدل مبتنی بر سودآوری سرمایه هستند و مردم را شکنجه داده‌اند. سرمایه‌داری فقر نسبی و مطلق، بیکاری و جنگ‌های امپریالیستی را فقر نسبی و مطلق، بیکاری و جنگ‌های امپریالیستی را می‌آفریند. از دید ما اتوییا آن است که انتظار داشته باشیم کارگران بتوانند در چارچوبی استثمارگری به مطالبات خود دست یابند و نیازهایشان را برآورده کنند. راحل برای کارگران باید خارج از چارچوب این نظام استثمارگر یافته شود. حزب کمونیست یونان تجربه مثبت و منفی از ساختمان سوسیالیست و اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی را آموخته است. ما در کنار هم‌پیرمردم در تجارب مثبت آن دوران، عللی که منجر به سرنگونی اتحاد جماهیر شوروی شدند را نیز مورد ارزیابی و مدنظر قرار می‌دهیم. ما دیدگاه‌هایمان درباره سوسیالیسم را به‌روز کرده‌ایم و عمیقاً باور داریم که امروز سوسیالیسم ضروری و بهنگام است. این یک سازمان اقتصادی و اجتماعی دیگر است که علل ایجاد بحران‌هایی چون بیکاری و فقر را از میان بر می‌دارد و می‌تواند نیازهای امروزین مردمان را فراهم کند.

آیا این مخالفت شما با اتحادیه اروپا چیست؟
این نتیجه رسید که مشارکت در دولتی که منافع سرمایه را نمایندگی می‌کند به ضرر مردم خواهد بود چراکه کمونیست‌ها نباید وارد دولتی شوند که تحت‌بوغ سرمایه‌داری قرار دارد. کمونیست‌ها باید یک اپوزسیون قوی مردمی باشند و نباید در تلاش بپهوده برای «انسانی‌کردن» چهره سرمایه‌داری سهیم شوند. هیچ‌گونه مبنایی برای همکاری با دولت‌کنونی وجود ندارد؛ آنجایی که سیریزا به اتحادیه اروپا، ناتو و سرمایه‌داری گرایش دارد و حزب کمونیست یونان

آ چرا با همه‌پرسی مخالفت کردید. اختلاف نظر شما با سیریزا در چیست؟ چرا حاضر به ائتلاف با سیریزا نشدید؟

مخالفت ما بر پایه این واقعیت است که دولت از قراردادن برنامه ما (علیه یک توافق ضد مردمی) به رأی و فضولات عموم یونانی‌ها خودداری کرد. دولت کنونی همچنین طرح حزب کمونیست یونان برای عدم مشارکت در اتحاد به اروپا را نادیده گرفت. در نتیجه، گفتمان نادرستی بر مردم تحمیل شد که انتخاب میانه دوگانه نه با آری بود که رأی آری به‌عنوان توافق تازه‌ای ضد مردمی تحویل شده‌از سوی اتحادیه اروپا، صندوق بین‌المللی پول و بانک مرکزی اروپایی تفسیر شد. همان‌طوری که اطلاع دارید در نهایت صحت ارزیابی ما اثبات شد.

درباره مسئله مشارکت در دولتی ائتلافی با حضور «سیریزا»، حزب کمونیست یونان با بررسی تاریخ خود و همچنین تاریخ جنبش کمونیستی بین‌المللی به این نتیجه رسید که مشارکت در دولتی که منافع سرمایه را نمایندگی می‌کند به ضرر مردم خواهد بود چراکه کمونیست‌ها نباید وارد دولتی شوند که تحت‌بوغ سرمایه‌داری قرار دارد. کمونیست‌ها باید یک اپوزسیون قوی مردمی باشند و نباید در تلاش بپهوده برای «انسانی‌کردن» چهره سرمایه‌داری سهیم شوند. هیچ‌گونه مبنایی برای همکاری با دولت‌کنونی وجود ندارد؛ آنجایی که سیریزا به اتحادیه اروپا، ناتو و سرمایه‌داری گرایش دارد و حزب کمونیست یونان

اقتصاد – جهان

پاسخ‌های کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان به پرسش‌های «شرق»

برای سرنگونی سرمایه‌داری مبارزه می‌کنیم

سیریزا قصد دارد چهره‌ای انسانی به توحش سرمایه‌داری بدهد



عکس: AFP

اروپا هستیم و می‌خواهیم مردم قدرت را در دست گیرند. این آن چیزی است که ما را از نیروهای سیاسی ارتجاعی بورژوازی متمایز می‌کند که صرفاً مسئله خروج از اتحادیه اروپا یا ترک واحد پولی یورو را مطرح می‌کنند. ما با قدرت طبقه کارگر در حال مبارزه برای عدم‌مشارکت با اتحادیه اروپا هستیم این در حالی است که احزاب راست ملی‌گرای افراطی خواهان حفظ قدرت سرمایه و خدمت به آن هستند. این نیروهای ارتجاعی از سوی بخش‌هایی از سرمایه موردحمایت قرار می‌گیرند، بخش‌هایی که مخالف اتحادیه اروپا هستند، چراکه آنان خواستار مذاکره برای کسب جایگاه در اتحادیه اروپا یا دیگر ائتلاف‌های بین‌المللی (یا همکاری با روسیه) هستند و همواره در چارچوب مسیر سرمایه‌داری حرکت می‌کنند. موضع ما کاملاً متفاوت از آنان است، تفاوتی همچون فرق میان روز و شب.

آ علت درصداپاین آرای داده‌شده به حزب کمونیست یونان را چه می‌دانید؟ آیا رادیکالیسم بیش از اندازه حزب کمونیست یونان منجر به انفعال و عدم واقع‌گرایی و عملکردایی حزب شما نشده است؟

در ابتدا باید اشاره کنیم که حزب کمونیست یونان ۱۵ نماینده در مجلس و دومناینده در پارلمان اروپا دارد. باوجود اینکه به توهمات پارلمانی باوری ندارد. البته، ما خواهان مورد حمایت قرارگرفتن از سوی بخش‌های بیش‌تری از طبقه کارگر و قشرهای مردمی در انتخابات هستیم تا در نتیجه آن منابع بیش‌تری برای مبارزه‌مان در اختیار داشته باشیم. باین‌حال، دشواری‌های بزرگی در این‌مسیر وجود دارند. دستگاه قوی دستکاری دولتی، ارباب کارگران از سوی کارفرمایان و گفتمان‌های نادرست همگی از جمله عوامل تاثیرگذار منفی بوده‌اند. باین‌حال، ما این‌توهم را نداریم که زندگی از طریق انتخابات بورژوازی تغییر خواهد کرد. در نتیجه، حزب کمونیست یونان تمرکز خود را بر فعالیت‌های کارگران و جنبش‌های مردمی قرار داده است و نیروهای قدرتمندتری را در درون اتحادیه‌های کارگری، نظاهرات ضد سرمایه‌داری زنان و جوانان در اختیار دارد. ما در جست و جوی تشکیل یک ائتلاف مردمی هستیم که طیف وسیعی از مردم‌سان را دربر گیرد مردمی که منافع مشترکی دارند و برای رفع مشکلات انسانی علیه سرمایه‌داری و انحصارات مبارزه می‌کنند و تحلیلی برای انقلاب اجتماعی در کشور ما و سوسیالیستی‌شدن آن دارند.

آیا گمان می‌کنید که جریانات مشابه سیریزا می‌توانند در کشورهای اروپایی به‌خصوص مناطق جنوبی قدرت را در دست گیرند و تجربه یونان تکرار شود؟

تاریخ نشان‌داده که احزاب سوسیال دموکراتیک هم چون سیریزا می‌توانند در دولت با احزاب محافظه کار دست راستی جایگزین شوند. این نشان می‌دهد که چنین احزابی توهمی از هژوداری از مردم هستند و سرمایه‌داری را مدیریت می‌کنند، اما باعث ایجاد سرخوردگی بزرگ در میان کارگران شده و مسیر را برای بازگشت نیروهای دست راستی به دولت فراهم می‌کنند. مثال‌هایی که این الگو را تأیید می‌کنند بسیاریند.

آیا امکان تشکیل ائتلاف گسترده چپ‌ها در کشورهای اروپایی را میسر می‌دانید؟ مانع عمده بر سره این موضوع چیست؟

اکنون همکاری‌هایی میان احزابی که خود را چپ‌گرا قلمداد می‌کنند و منافع سرمایه را مدیریت می‌کنند وجود دارد. موضع ما این است که احزاب کمونیستی باید حضوری قوی در هر کشوری داشته باشند و بر این مینا نیاز به همکاری احزاب کمونیستی و کارگری علیه اتحادیه اروپا و ناتو و آت‌هایی که خواهان همکاری با آنها هستند وجود دارد. امروز گروه «ائتلاف کمونیست اروپایی» وجود دارد که ۲۹ حزب کارگری و کمونیستی ازجمله حزب کمونیست یونان در آن مشارکت دارند. **آ نظراتن درباره سفر اخیر سیرپاس به روسیه چیست؟ آیا به‌نظراتن دولت یونان قصد نزدیکی به روسیه برای مقابله با تهدید قدرت‌های اروپایی را دارد؟ آیا تغییر جهت به سوی شرق به‌نفع سیاست**

یادداشت

سرمایه‌گذاری خارجی در مناطق آزاد، پالیوت اقتصادپساتحریم عبدالرسول خلیلی . استاد دانشگاه

● مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور، به‌عنوان راهکاری برای تعامل با اقتصاد جهانی و حضور در بازارهای هدف جهانی با رویکرد استراتژی تشویق تولید، صادرات و صادرات مجدد، می‌توانند متناسب با بند ۱۱ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی درباره توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی به‌منظور انتقال فناوری‌های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید، صادرات کالا و خدمات و تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج عمل کنند. این مناطق به لحاظ ماهیت عملکردی و نقش مؤثری که می‌توانند در اقتصاد کشور داشته باشند، همواره به مثابه پالیوت جذب سرمایه‌گذاری خارجی، یعنی اصلی‌ترین مأموریت آنها به مانند دیگر مناطق آزاد اشتهرفته دنیا، قلمداد می‌شوند. اکنون که متعاقب ۲۳ تیر، تاریخ امضای توافق هسته‌ای ایران و ۵+۱، در ۹۴ تیر ۹۴ دومین روز تاریخی رقم خورد و شش روز بعد از دستیابی به توافق هسته‌ای در وین، قطع‌نامه ۲۳۱۱ شورای امنیت به اتفاق آرا این توافق را به تصویب رسانید، به‌تدریج دیپلماسی سیاسی به دیپلماسی اقتصادی تغییر ماهیت می‌دهد. در عرصه اقتصاد بین‌الملل، پس از پایان‌یافتن چالش ۱۳ساله هسته‌ای ایران با ۵+۱ در عرصه روابط خارجی، به‌واقع باید گفت روز واقعه جدیدی برای اقتصاد ایران رقم خورده است. نمونه بارز آن سفر زیگمار گابریل، معاون صدراعظم و وزیر اقتصاد و انرژی آلمان، در رأس هیأت اقتصادی به ایران برای انجام زمینه‌های سرمایه‌گذاری‌های مشترک و انتقال فناوری‌های جدید است. مناطق آزاد و ویژه اقتصادی ایران از جمله مهم‌ترین مراکز جذب سرمایه‌گذاری است که هیأت‌های اقتصادی خارجی دعوت‌شده به ایران باید به آن توجه داشته باشند. دولت روحانی که با عمل به وعده اصلی انتخاباتی خود در خرداد سال ۹۲، جدال هسته‌ای غرب را پایان داد، اکنون به‌دنبال مسئله اصلی‌تر یعنی بهبود شرایط اقتصادی کشور است. آنچنان که رئیس‌جمهور، در مراسم ضیافت افطار با جمعی از بانوان محترمه گفته بود که حل و فصل این مناقشه باید فضای جدیدی را باز کند. این فضا به‌طور قطع، برای اقتصاد ایران و اقتصاد مناطق آزاد و ویژه اقتصادی از طریق جذب سرمایه‌گذاری خارجی بسیار مسرت بخش خواهد بود. روحانی این مسئله را نیز در سخنرانی خود در نشست سران سه سازمان تاثیرگذار یعنی سازمان همکاری شانگهای، اعضای گروه بریکس و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، عنوان کرده و به‌شکلی جدی علاقه‌مندی ایران را برای متنوع‌سازی روابط اقتصادی و حضور و مشارکت فعالان درهمکاری‌های بین‌المللی بیان کرده است. رئیس‌جمهور، فردای توافق با شش قدرت بزرگ جهانی و شروع دوران پسا تحریم، ایران را آماده همکاری‌های گسترده‌تر با قدرت‌های اقتصادی نوظهور جهان دانست؛ تا ضمن کسب توانمندی بیشتر در برآوردن نیازهای جمعیت بزرگ خود، سهم افزون‌تری در صلح، ثبات و امنیت جهانی ایفا کند. جذب سرمایه‌گذاری خارجی باید بتواند رویکرد ما را به اقتصاد توسعه از منظر خارجی، به‌عنوان یک ضرورت برای تقویت بازار سرمایه شکل دهد. از سوی دیگر، انتقال سرمایه از خصوصیات جوامع نون است و فقر مادی و تنزل دائمی ترم‌های مبادله موجب شده‌اند تا درکشورهای درحال‌توسعه، بیش از پیش، درصدد کسب سرمایه‌های خارجی برآیند. با جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی است که می‌توان نسبت به احداث زیرساخت‌ها و امکانات مورد نیاز از طریق روش‌های رایج سرمایه‌گذاری خارجی اقدام کرد. انجام این کار به درستی می‌تواند زمینه‌های لازم را برای ایجاد زیرساخت‌های مستحکم برای حرکت جesh‌وار فراهم کند. سرمایه‌گذاری‌های خارجی شامل دو نوع سرمایه‌گذاری مستقیم و غیرمستقیم است. سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی (FDI) شامل احداث کارخانه و مشارکت در پروژه‌های مشترک است، به‌ویژه در احداث واحدهای تولیدی، که محصولات آنها قیلا به‌طور مستقیم وارد می‌شود. آنچنان‌که در گزارش آکتاد (کنفرانس توسعه و تجارت سازمان ملل متحد) آمده، کشورهایی که قادر به جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نباشند در معرض خطر حاشیه‌ای‌شدن در صحنه اقتصاد جهانی قرار می‌گیرند. مسئله حیاتی برای کشورهای درحال‌توسعه از جمله ایران، این است که به‌نظر بعضی شرایط مساعد در برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایجاد کنند تا بتوانند منافع حاصل از این جریان‌ها را برای خود به احاکثر برسانند. پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی در قالب نهادار تحت تملک اشخاص خارجی در چارچوب روش‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سرمایه‌گذاری خارج‌است. در سرمایه‌گذاری غیرمستقیم خارجی، مدیریت پرتقوی نیز به‌عنوان مجموعه سهام و اوراق بهادار تحت تملک اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی، درحال‌حاضر، ۱۰ درصد میزان سرمایه‌گذاری خارجی است که به‌نظر بعضی صاحب‌نظران اقتصادی باید به ۲۰ تا ۲۵ درصد آن برسد تا بتواند محرکی برای افزایش انگیزه حضور سرمایه‌گذاران خارجی باشد. این سرمایه‌گذاری‌ها می‌تواند از سوی بخش عمومی یا بخش خصوصی خارجی صورت گیرد، سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌های دولتی خارجی نیز خصوصی تلقی می‌شود.

خارجی یونان خواهد بود؟

طبقه بورژوازی یونان در حالی که هنوز هم مایل به مشارکت با اتحادیه اروپا و ناتو است درصدد است تا در دوران برآمدن سایر قدرت‌های در حال ظهور در هرم امپریالیستی روابط بین‌الملل، از تضادهای میان امپریالیستی به‌نفع خود بهره‌برداری کند. این جهت‌گیری که نوبه خود همواره تحت کنترل ایالات متحده، ناتو و حلقه‌های پیشتاز در اتحادیه اروپا بوده و ربطی به منافع ملی ندارد بلکه مربوط به منافع حکومت توانگران و زران‌دوران است.

تنها قدرت مردم یونان می‌تواند روابط کشور ما با کشورهای دیگر را براساس منافع متقابل و به‌منظور خدمت به منافع مردم شکل دهد.

آ حزب کمونیست یونان چه سناریوهایی را برای یونان متصور می‌داند؟ آیا خروج یونان از واحد پولی یورو کمکی به آن کشور می‌کند؟ نظراتن درباره بازپرداخت بدهی‌های یونان چیست آیا یونان نباید به خواست وام‌دهندگان بین‌المللی توجه کند؟

توافق‌نامه جدید ضدمردمی که از سوی دولت سیریزا و متحدان دست‌راستی‌اش با نهادهای امپریالیستی تنظیم شده است بار جدیدی بر دوش کارگران است. طبقه بورژوازی دارای چندین نیروی ذخیره سیاسی برای مدیریت بحران است. در برآورد ما، بازگشت به واحد پول ملی راه‌حلی برای مردم نیست که در آینده ممکن است روی دهد. بخش‌هایی از سرمایه در کشور ما اکنون نسبت به این انتخاب نظر خوشایندی دارند و امیدوارند بتوانند سود بیش‌تری کسب کنند. این گزینه‌ای ضدمردمی است و هدف آن باقی‌ماندن یونان در واحد پول یورو است.

نظر ما این است که بدهی نه از سوی مردم بلکه توسط دولت‌های بورژوازی متمایل به سرمایه کلان ایجاد شده است. مردم نباید آن را به‌رسمیت شناسند نباید با بازپرداخت آن موافقت کنند.

آ تا چه اندازه معتقدید که سیریزا در پیشبرد سیاست‌های خود موفق خواهد بود؟ آیا در بلندمدت افق روشنی برای آن حزب متصور هستید؟ این واقع‌گرایی و عملکردایی حزب شما نشده است.
دولت سیریزا با شعارهای چپ‌رایانه نقابی بر مصالحه خود با سیستم زده است و آن را با ماسک شرافت‌نمانانه پوشانده است. سیریزا گفتمان کاذبی را علیه مردم هدایت می‌کند. اکنون در دوره زمانی‌ای قرار داریم که مخالفان با اتحادیه اروپا باید متوجه رادیکالی به خود بگیرد و منجر به رد مسیر توسعه سرمایه‌داری شود درحالی‌که سیریزا خواهان مشارکت کشور ما در ائتلاف امپریالیستی بینا دولتی است که همواره مبتنی بر روابط نابرابر میان کشورها بوده است. این دولت همه‌پرسی‌ای را یک پرسش نادرست انجام داد و سپس رای نه را به آری برای یک تفاهم‌نامه‌ی وحشی‌تر تبدیل کرد.

سیریزا گامکان از خواسته‌های مردم و نیروهای چپ بهره‌برداری می‌کند تا به خود وجه‌های مردم‌گرایانه و چپ‌گرا بدهد. امروز تفاهم‌نامه جدید وضعیتی را به وجود آورده که گویی گناهان احزاب پاسوک و دموکراسی نو که پیش‌تر در قدرت بوده‌اند آزمیزده شده‌اند.

این دولت از عوام‌فریبی پوپولیستی بهره می‌برد هم چنین تعهدی به سرمایه کلان دارد که حاکی از بهبود سودآوری است و قادر خواهد بود تا محدودیت لازم برای جلوگیری از گروه‌بندی دوباره و بهبود وضعیت جنبش مردمی - کارگری را اعمال کند. این حزب از این طریق توانسته حمایت بخش اصلی طبقه بورژوازی در یونان را نیز به‌همراه مراکز امپریالیستی خارجی ازجمله آمریکا را کسب کند. ائتلاف با آمریکا، فرانسه، ایتالیا که دولت به آن افتخار می‌کند به هیچ‌وجه در راستای منافع مردم نیست. در واقع، چنین اقدامات باعث واردشدن طبقه کارگر و اقشار مردمی به میانه منازعات امپریالیست‌ها خواهد شد.

آ منتقدان سیریزا آن حزب را به پوپولیسم متهم می‌کنند. نظر حزب کمونیست یونان در این باره چیست؟ آیا شما فکر می‌کنید پوپولیسم در عرصه سیاسی رویکردی نادرست است؟ آیا حزب کمونیست یونان به پوپولیسم باور دارد؟

حزب کمونیست یونان از آغاز استدلال کرده و نشان داده بود که سیریزا نه می‌خواهد و نه می‌تواند مردم را برای مقابله با انحصارات آماده کند چراکه رویکردی برای مقاومت و مبارزه ندارد و تمایلی به درگیری ندارد. در مقابل، آنچه سیریزا می‌خواهد در انفعال نگهداشتن مردم است سیریزا خواهش از آن است که مردم بنشینند و صبر کنند و در انتخابات «رای اعتراضی»-شان را به صندوق‌های رای ببینند. سیریزا مردم را این‌گونه فریب می‌دهد که توانسته مسیر را برای تحولات مطابق با میل مردم در داخل اتحادیه درنده اروپا هموار کند.

شعارهایی نظیر اینکه «یونان فقیر است، اما در مقابل قدرتمندان مقاومت می‌کند» با هدف کتمان حقیقت از مردم و به انقیاد درآوردن آن تحت بوغ بربریت است. مردم نمی‌توانند زمانه‌ای که ثروت‌های تولیدشده به یغما می‌روند احساس غرور کنند مردمی که برای حفظ نظام سرمایه‌داری از بحران در درون و خارج از حوزه پولی یورو در حال ورشکسته‌شدن هستند. در چنین چارچوبی سیریزا نیز همانند تمام احزاب بورژوازی به پوپولیسم گرایش دارد. موضوعی که هیچ ارتباطی به حزب کمونیست یونان ندارد. حزب ما همواره به مردم حقیقت را گفته و به بیان آن ادامه خواهد داد.

ادامه در صفحه ۱۷